

آیین زندگی

(اخلاق کاربردی)

رشته: مدیریت خانواده

(مقطع کاردانی)

تهیه کننده: سمانه مکوندی

۱ - معنا شناسی اخلاق و علم اخلاق

واژه اخلاق در لغت به معنای سرشت و سجیه به کار می روند؛ اعم از سجایای نیکو و پسندیده یا سجایای زشت و ناپسند رایج ترین معنای اصطلاحی اخلاق: «صفات و ویژگیهای پایدار در نفس که موجب می شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود»

اخلاق از یک لحاظ به دو قسم تقسیم می شود:

۱- اخلاق فضیلت؛ که مبتنی بر کارهای پسندیده است.

۲- اخلاق رذیلت؛ که مبتنی بر کارهای ناپسند است.

تعریف علم اخلاق با تکیه بر علم: "علمی است به آن که نفس انسان چگونهمخلقی اکتساب تواند کرد"...

تعریف علم اخلاق با تکیه بر عمل: "علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد".

تعریف جامع: "علم اخلاق علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبیها و بدیها، راههای کسب خوبیها و رفع و دفع بدیها را به ما تعلیم می دهد".

۲- انواع پژوهشهای اخلاقی

امروزه پژوهشهای تحقیقات علمی درباره اخلاق در سه حوزه صورت پذیرفته:

۱ - اخلاق توصیفی

۲ - اخلاق هنجاری

۳ - فرا اخلاقی

۱ - اخلاق توصیفی:

- در این نوع از پژوهشها به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروهها و جوامع مختلف از سوی جامعه شناسان، مردم شناسان و مورخان پرداخته می شود.

- هدف در این نوع پژوهش: تنها آشنایی بانوع رفتار اخلاقی فرد یا جامعه ای خاص است.

- روش در اخلاق توصیفی: تجربی و تاریخی است.

۲ - اخلاق هنجاری (اخلاق دستوری):

- در اخلاق هنجاری به بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی و بایستگی و نبایستگی می پردازد.

- موضوع بحث در این نوع پژوهش، افعال اختیاری انسان است.

- روش در این نوع پژوهش، استدلالی و عقلی است نه تجربی و تاریخی.

۳ - فرا اخلاق:

- فرا اخلاق به بررسی تحلیل و فلسفی درباره مفاهیم و احکام اخلاقی می پردازد.

- موضوع این نوع پژوهش، مفاهیم و جملاقی است که در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می گیرند.

- وظیفه اصلی در این نوع پژوهش، بررسی معنای خوب و بد و تحلیل گزاره های مورد بحث از قبیل " : سقط جنین خوب

است، یا سقط جنین بد است". می باشد.

۳- اخلاق کاربردی:

- اخلاق کاربردی در حقیقت زیر مجموعه اخلاق هنجاری است به تعبیر دیگر، اخلاق کاربردی همان اخلاق هنجاری است.
- اخلاق کاربردی درصدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد.

- اخلاق کاربردی شامل اخلاق حرفه ای نیز می شود.

- منظور از اخلاق حرفه ای، تأمل درب ارب ابعاد اخلاقی مسائل و موضوعاتی است که به مشاغل خاصی مربوط می شود؛
مانند : اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت، اخلاق روزنامه نگاری و...

اهمیت و جایگاه اخلاق کاربردی

- علم اخلاق یکی از ضروری ترین علوم برای انسان است

- امام کاظم (ع) فرمودند : لازم ترین دانش برای ت و، دانشی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را
برایت آشکار سازد.

- هدف اصلی رسالت انبیاء؛ پرورش اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب جانهای آنان بوده است.

- مشکل عمده افراد چگونه قابل حل است؟

راه حل مشکل = شناخت بیماری (مفسده اخلاقی) + راه علاج + تصمیم اخلاقی

مشکل عمده بسیاری از افراد این است که:

اولاً: راه انجام وظایف اخلاقی و نحوه اعمال احکام اخلاقی را به درستی نمی توانند تشخیص دهند.

ثانیاً: در بزنگاه نمی توانند تصمیم اخلاقی درستی را اتخاذ نمایند.

رسالت عمده اخلاق کاربردی چیست؟

تحلیل و بررسی ریشه ای و بنیادین فضایل و رذایل اخلاق و راه تشخیص تکالیف اخلاقی و شیوه تحقق آنها در حوزه های
خاصی می پردازد.

«اخلاق دانش اندوزی»

۱- اهمیت و ضرورت

- اهمیت علم و علم آموزی، از دیدگاه اسلام، به قدری واضح است که نیازی به توضیح ندارد.

نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد، بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلیم در اسلام است " : اقرأ باسم ربک الذی
خلق" ... بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید . همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد . بخوان که
پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلم داد، و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد."

ضرورت تحصیل علم از دیدگاه اسلام، ضرورتی مطلق است . یعنی نه قید افرادی دارد، نه قید زمانی، نه قید مکانی و نه هیچ
قید و محدودیت دیگری.

- آیا تحصیل علم، مطلوبیت ذاتی دارد؟

-تحصیل علم، مطلوب ذاتی نیست . یعنی به صرف عالم شدن و تحصیل علم، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی شود . چه فراوان بوده اند اندیشمندانی که علم را در جهت توسعه فساد به کار گرفته اند.

۲- دانش اندوزی و پارسایی

-پارسایی چه نقشی در تعلیم و تحصیل معرفت و دانش حقیقی دارد؟

بی تردید متون دینی، همه انسان ها حتی کافران و فاسقان را به دانش اندوزی و پیروی از دانش و پرهیز از پیروی گمان دعوت کرده و به تعقل و تدبیر فرا خوانده اند. پارسایی در کنار خردورزی و دانش اندوزی به معنای ناتوانی بی تقوایان از درک و اقامه براهین عقلی نیست؛ بلکه مراد آن است که با بازگرداندن روح و سرشت آدمی به حالت پاکی و صداقت نخستین و فطری اش، فراگیری و پذیرش حقایق را برای او تسهیل می کند.

-تقوا سبب می شود فطرت انسان به پاکی و زلال نخستین خود باز گردد.

۳- موانع دستیابی به علم حقیقی

ذهن آدمی، گاه در اثر چینش نادرست مقدمات یا کوتاهی در انتخاب مواد یقین آور برای استدلال، دچار خطا می شود و گاه در اثر مشکلات اخلاقی و آلودگیهای نفسانی از درک درست حقایق، ناتوان می گردد.

۱-۳. پیروی از حدس و گمان

یکی از لغزشگاه های فهم و اندیشه درست آن است که انسان به جای پیروی از یقین، به گمان و حدس، بسنده کند.

۲-۳. تقلید کورکورانه

متأسفانه یکی دیگر از موانع تحصیل علم واقعی و داشتن اندیشه درست، سپردن مهار تفکر به دست دیگران است . به تعبیر مولوی: که به ظن تقلید واستدلالتشان قایمست و جمله پر و بالشان

۳-۳. شتاب زدگی

انسان، گاه در داوری های علمی و عقلانی خود شتاب می کند؛ و به صرف فراهم آمدن اطلاعاتی اندک درباره یک موضوع، به نتیجه گیری می پردازد.

قرآن کریم در تقبیح شتاب زدگی می فرماید: (ویدع الانسان بالشر دعاء بالخير و كان الانسان عجولاً) اسرا / ۱۱

و انسان بر اثر شتاب زدگی، بدی را طلب می کند و آن گونه که نیکی ها را طلب می کند و انسان، همیشه عجول بوده است.

امام علی (ع): از شتاب زدگی پرهیز؛ زیرا شتاب زدگی در کارها موجب می شود که انسان به هدف نرسد و کارش مورد ستایش نباشد.

۴-۳. تمایلات نفسانی

هدف از تحصیل علم = رسیدن به حقیقت به میزان توان.

مانع از رسیدن به حقیقت = نشستن گرد و غبار گرایش های نفسانی بر چهره دیدگان اندیشه.

عوامل انحراف تفکر:

۱- حب

۲- بغض

۳- جهت گیری‌های تعصب آمیز

۴- عجب و خودبزرگ‌بینی

۴- آداب اخلاقی آموختن

۴-۱. انگیزه الهی (اخلاص)

پیامبر اکرم (ص) در حدیث مشهوری فرمودند: «من اخلص لله اربعین صباحاً جرت ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه» هر کس خوند را چهل روز برای خدا خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری خواهد شد. -ماهیت هر عملی با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است، مشخص می شود.

-در اسلام برای ارزش گذاری اخلاقی یک کار، وجود دو عنصر، ضروری است:

۱- حسن فعلی = خوب بودن کار ۲- حسن فاعلی = نیت خوب داشتن درانجام کار

-کار اخلاقی و ارزشمند از دیدگاه اسلام کاری است که صرفاً برای رضایت خداوند انجام گرفته باشد. مراتب رضایت الهی:

۱ - بهره مندی از نعمت های الهی

۲ - رهایی از عذاب الهی

۳ - خشنودی خداوند نه چیز دیگر.

۴-۲. انتخاب استاد شایسته

مدتی می بایدت لب دوختن وز سخن دانان سخن آموختن

تا نیاموزد نگوید صد یکی ور بگوید، حشو گوید بی شکی

-تأثیر استاد و نوع ارزشها و نگرشها و جهان بینی او در شاگردان، جای هیچ تردیدی ندارد.

استاد شایسته کیست؟ کسی است که:

۱ -از تکبر به تواضع دعوت می کند.

۲ -از حيله گری به خیرخواهی فرا می خواند.

۳ -از جهل به علم می کشاند.

۴-۳. رعایت اولویتها

مهمترین وظیفه دانشجویان تحصیل علوم نافع به حال جامعه است.

۴-۴. خوب گوش دادن

امام علی (ع): زمانی که نزد دانشمندی نشستی، پس بر شنیدن نسبت به گفتن حریص تر باشد و خوب گوش دادن را بیاموز.

۴-۵. پرسش و پرسش گری چه اهمیتی دارد؟

-پرسش و پرسش گری اگر به منظور کشف حقیقت و فهم واقعیت باشد، از فضایل اخلاقی به حساب می آید.

-پیامبر اکرم (ص) پرسش را به عنوان کلید خزاین و گنجینه های دانش معرفی کرده اند.

-امام صادق (ع): پرهیز از سؤال موجب هلاکت یک قوم است.

-آیا پرسش و پرسش‌گری دارای ارزش ذاتی است؟ خیر تنها دارای ارزش است که به منظور کشف حقیقت باشد.

-علی (ع): برای دانستن پرس نه برای آزار دادن.

۴-۶. ضبط و نگارش مطالب

امام صادق (ع): دانش را بنگارید، چرا که شما بدون نگارش نمی‌توانید آن را حفظ کنید.

۴-۷. تواضع در برابر استاد

سعی ناکرده در این ره به جایی نرسی مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

-امام زین‌العابدین (ع): حق کسی که به علم می‌آموزد این است که او را بزرگ‌بداری و احترام مجلسش را بداری.

چرا اسلام برای معلم و استاد احترام و ارزش والایی قائل است؟ بنظر می‌رسد مهمترین علت آن، ارزشمندی خود علم است.

۵-خودشناسی

خودشناسی مقدم بر همه دانشهاست؛ زیرا برای انسان خسران بزرگی است که جوهر مسائل بیرونی را بداند و دائماً به مطالعه و آزمایش بپردازد اما از سیر نفسی و اندیشه در امور درونی خود غافل باشد.

اخلاق نقد (شیوه‌های اخلاقی مواجهه با اندیشه‌ها)

۱-اهمیت و جایگاه

-بدون تردید یکی از مهمترین نشانه‌های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه و همچنین یکی از علائم رشد و بالندگی و پویایی یک ملت، رونق گرفتن مباحثات علمی، تضارب آرا و تبادل افکار است.

رونق مباحثات علمی = شکوفایی علم و اندیشه

یکی از پی‌آمدهای عدم رونق مباحثات علمی، رونق بازار ترجمه است. مهمترین شرط برای نشاط و شکوفایی علم و اندیشه، آزادی است.

-آزادی اندیشه آزادی هتاک

-مهمترین قیود آزادی، قیود اخلاقی است.

-چگونه می‌توان با طرح گسترده نظریات علمی و رواج بازار نقد و نقادی در جامعه، سلامت علمی جامعه را نتیجه گرفت؟ زمانی که:

اولاً: موضوعات گفتگو، مفید و ثمر بخش باشند.

ثانیاً: گفتگوها در فضایی مناسب و به شیوه‌ای سالم و با مراعات اصول معرفتی و اخلاقی صورت پذیرد.

تفکر انتقادی یا منطق کاربردی

یکی از موضوعاتی که در دوران جدید به شدت مورد اهتمام اندیشمندان قرار گرفته است، مباحثی است که تحت عنوان تفکر نقدی مطرح می‌شود. در تفکر انتقادی یا منطق کاربردی دانشجو با انواع بسیاری از مغالطه‌ها آشنا می‌شود. هدف از آشنایی با تفکر انتقادی، مواجهه با اندیشه‌های گوناگون به شیوه منطقی در موارد ضروری است. طبیعی است که ارتکاب

مغالطه در حالت عادی و معمولی در رد یا دفاع از یک اندیشه، عملی غیر اخلاقی است. باید در کنار آشنایی با مغالطه با آداب و اصول اخلاقی در مقام ارایه یک اندیشه، به خوبی آشنا شده و از لغزشگاه‌های بزرگ و سعادت سوز به شدت پرهیز کنیم.

۲- معنانشناسی نقد

- درباره نقد و انتقاد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

(الف) نقد و انتقاد صرفاً، به معنای بیان خوبیها و محسنات است و در آن نباید از زشتیها سخنی به میان آورد.

(ب) نقد عیب جوئی و خرده گیری است.

(ج) نظریه معتدل: ارزیابی منصفانه یک چیز است.

- هدف از نقد و انتقاد چیست؟ هدف شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نبایستگی، بودها و نبوده‌هاست.

۳- ضرورت نقد

- ضرورت نقد در دو جا ملاحظه می‌شود:

الف: نقض دیگران را برطرف می‌کند.

ب: سوء تفاهم بین نقد کننده و نقد شده را از بین می‌برد.

امام صادق (ع): بهترین دوستان نزد من کسانی اند که عیوب و نواقص من را به من هدیه دهند.

امام علی (ع): کسی که عیوب و کاستیهای تو را پنهان کند، دشمن تو است.

- اصولاً باید دانست که نقد و انتقاد از نابسامانیها و کج اندیشیها، یکی از وظایف دینی مردم است.

به نزد من آن کس نکو خواه توست که گوید فلان خار در راه توست

۴- شرایط اخلاقی نقد

پس از بیان مباحثی مقدماتی در باب اهمیت نقد، به بیان شرایط و آداب اخلاقی نقد می‌پردازیم.

۴-۱. فهم سخن و تبحر در موضوع

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه‌ای دلبر! خطا اینجاست

امام علی (ع): اگر دانستن چیزی برتر دشوار گردد، آن دشواری را از نادانی خود به حساب آر چه تو نخست که آفریده شدی نادان بودی سپس دانا گردیدی.

اگر در نقد، به ویژه نقدهای علمی، ناقد در پی بیان درستیها و نادرستیهای یک اندیشه است، طبیعتاً نخستین شرط این کار آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد. داشتن تبحر و مهارت کافی در موضوع مورد نقد، یک یاز شرایط اخلاقی نقد است. کسی که اندیشه، گفتار یا کردار او مورد نقادی قرار می‌گیرد نباید فوراً ناقد را به به عدم فهم مطالب خود متهم کند.

۴-۲. کنار نهادن حب و بغض

تأثیر حب و بغض تا آنجا است که می‌تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد. کسی که به قصد مچ‌گیری، به نقد یک اندیشه یا رفتار می‌پردازد، قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود. دباید توجه داشت که شخص یا اشخاصی که اندیشه یا رفتار آنان مورد نقد قرار گرفته است، اخلاقاً مجاز نیستند ناقد را به سوء غرض و داشتن حب و بغض نسبت به خودشان

متهم کنند.

۳-۴. پرهیز از نقد متقابل

یکی دیگر از آفتهای اخلاقی بزرگ در عرصه نقد و نقادی آن است که بسیاری از نویسندگان در پاسخ نقدهای یک ناقد، بدون آنکه به پاسخ گویی نقدها بپردازند، به بررسی آثار ناقد و مطالعه سرگذشت و تاریخچه ناقد پرداخته و می کوشند تا به گونه ای بی عملیها و نادرستیهای او را استخراج کنند.

۴-۴. نقد انگیزه به جای انگیزه (به گفته بنگر نه به گوینده)

- یکی دیگر از بزرگترین آفتهای اخلاقی در عرصه نقد، خلط انگیزه و انگیزه است. کسی که مورد نقد قرار می گیرد به جای پرداختن به پاسخ نقدهای ناقد به کالبد شکافی نیت و انگیزه او اقدام می کند.

- امیر مؤمنان علی (ع): "حکمت را از هر کسی که آن را بیان می کند بگیر و به گفته بنگر و به گوینده منگر. حکمت گمشده مومن است. پس آن را فراگیر هر چند از منافقان باشد."

۵-۴. تفکیک اندیشه و رفتار از فرد

- هم شخص ناقد و هم شخص یا اشخاص مورد انتقاد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را، از ساحت نقد اندیشه و کردار، به نقد صاحب اندیشه و کردار نکشانند.

۶-۴. لزوم بردباری و نقد پذیری

"ولا تستوی الحسنه ولا السيئه ادفع بالتي هي احسن فاذا ال ذي بينك و بينه عداوه كأنه ولي حميم" فصلت / ۳۴
هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کند، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

۷-۴. پرهیز از برچسب زدن

- یکی از شیوه های نادرست و خلاف اخلاق در مسئله نقد، برچسب زدن و انگ زدن به صاحبان اندیشه و یا به ناقدان است. برچسب هایی از قبیل: ارتجاعی، غربی، غرب زده، علم زده، فاشیست، مستبد و... اگر اندکی بیندیشیم خواهیم دید که چنین برچسب هایی حتی اگر هم درست باشند، هرگز خللی در بنیانهای منقی یک اندیشه ایجاد نمی کنند.

- آیا قرون وسطایی بودن یک اندیشه یا نو بودن آن در درستی یا نادرستی آن دخالت دارد؟ خیر این عمل در حقیقت یکی از مغالطات منطقی است که معمولاً در کتابهای منطقی از آن به عنوان "مغالطه از طریق منشأ" یاد می شود.

۸-۴. آغاز کردن از خود

"يا ايها الذين آمنوا لم تقولون مالا تفعلون كبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالا تفعلون". صف / ۲-۳

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید.

- پیامبر اکرم (ص): خوشا به حال کسی که عیوب خودش او را از عیب گویی دیگران باز داشته است.

- امام صادق (ع): سودمندترین چیز برای انسان این است که به عیب خویش بر مردم پیشی گیرد.

هر کسی کو عیب خود دیدی زپیش کی بدی فارغ خود از اصلاح خویش

"اخلاق معیشت"

«و ان لیس للانسان الا ما سعی و انّ سعیه سوف یری ثمّ یجزاه الجزاء الاوفی»

و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست و این که تلاش او بهزودی دیده می شود سپس به او جزای کافی داده خواهد شد.

۱- اهمیت و جایگاه

- در این فصل برآنیم که برخی از مهم ترین اخلاقیات مربوط به معیشت را یادآور شویم.

هر فرد به تناسب استعدادها و تواناییهای ذاتی خویش و یا به اقتضای شرایط اجتماعی و محیطی، برای تأمین معیشت خویش شغلی را انتخاب می کند. هر شغلی اخلاقیات خاص خود را می طلبد. با وجود این تأمین معاش، به طور کلی و صرف نظر از اینکه در قالب چه شغلی یا تخصصی باشد، احکام اخلاقی مشترکی دارد.

مسئله معیشت یکی از مهمترین و پایدارترین مسائل بشری است. افراد بی کار، هر چند از نظر اقتصادی نیازمند نباشند، باز هم انسانهایی موفق تلقی نمی شوند.

آثار و نتایج کارکردن چیست؟

الف: امرار معاش و تأمین مایحتاج مادی زندگی.

ب: احساس شخصیت، عزت، استقلال و اعتماد به نفس.

ج: خود را یک عضو فعال و تأثیر گذار در جاعه می داند.

آثار و نتایج بیکاری چیست؟

الف: یأس، نومیدی

ب: سرخوردگی و بی شخصیتی

ج: یک عضو بی فایده در جامعه تلقی می شود.

کار، یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی نیز هست. یعنی اگر ما شخصاً هیچ احتیاجی نداشته باشیم، باز هم وظیفه اجتماعی و مسئولیت اخلاقی ما اقتضا می کند که بیکار نباشیم. مؤمنان شاغل، محبوب خداوند هستند.

- پیامبر اکرم (ص): عبادت و پرستش خداوند هفتاد جزء دارد که بالاترین و برترین جزء آن، طلب روزی حلال است.

- اسلام هرگز کارکردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت و پرستش نمی داند.

- پیامبر اکرم (ص) درباره انسانهای بیکار می گویند: ملعون من القی کلّه علی النّاس "کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیاندازد مورد لعن است.

- امام باقر (ع): حضرت موسی (ع) از خداوند سؤال کرد که خدایا مبعوض ترین بندگان نزد تو چه کسانی هستند؟

خداوند فرمود: کسانی که شب تا صبح همچون جسدی مرده می خوابند و روز خود را به بطالت و بیکاری می گذرانند.

امام صادق (ع): کسی که نمی خواهد از راه حلال مالی را فراهم کند که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند

و صله رحم را به جا آورد، خیری در او نیست.

۲- کار در سیره اولیای دین

- همه پیامبران و امامان برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده شان کار می کردند.

- یکی از یاران امام صادق (ع) که می بیند حضرت در یک روز گرم مشغول بیل زدن هستند به ایشان می گویند: اجازه دهید من به جای شما کار کنم. حضرت (ع) در پاسخ فرمود: "من دوست دارم که انسان برای تأمین معاش و در طلب معیشت، سختی و آزار آفتاب گرم را تحمل کند".

۳- نقش نیت در ارزشمندی کار

- یکی از مهم ترین ارکان ارزشمندی کارهای اختیاری انسان، مسئله نیت و انگیزه فرد از انجام آن است.
- آن همه ارزشی که در اسلام برای کار ذکر شده است، همگی مبتنی بر داشتن نیت و انگیزه خوب است.
- پیامبر اکرم فرمودند: اگر ان سان به انگیزه مباهات و فخر فروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار کند، در آن صورت در راه شیطان است.

۴- رابطه اخلاق و معیشت

- در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است.

پیامبر اکرم (ص): ای ابوذر به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه، از روزی مقرر خود محروم می شود.

پیامبر اکرم (ص): گنجهای رزق در اخلاق خوب نهفته است.

پیامبر اکرم (ص): اخلاق نیکو، موجب زیادت در روزی می شود.

- با توجه به روایات مطرح شده منظور از رزق چیست؟

- باید توجه داشت که رزق در اینجا معنایی عام و گسترده دارد. یعنی منحصر در رزق متعارف از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن و مانند آن نیست بلکه شامل رزقهای معنوی و اخروی نیز می شود.

- مصیبتها و محرومیتها معلول و پی آمد چیست؟

- در بسیاری از آیات و روایات، این حقیقت را تأکید کرده است که علت اصلی محرومیتهای انسان اعمال و رفتارهای ناشایست خود او است.

پیامبر اکرم (ص): هر مصیبتی به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است و خدا بسیاری را نیز عفو می کند.

دل از آلودگیها گر بود پاک زبان شد پاک از هر عیب و هر آک

و گر این آینه بگرفت زنگار زبان گردد بسان مار جرّار

- هر چند ما نتوانیم با عقل جزئی نگر خود رابطه میان گناه و محرومیت از رزق، به ویژه رزقهای مادی، را درک کنیم، همان طور که ممکن است نتوانیم رابطه میان اخلاق نیک و بهره من دی از رزقهای مادی و معنوی را به درستی دریابیم، اما باید بدانیم که این رابطه، از نظر قرآن و معارف اصیل اسلامی، رابطه قطعی و ضروری معرفی شده است.

۵- نقش کار در تربیت و بهداشت روانی

-یکی از مهمترین عوامل سازنده شخصیت انسان، کار است.

امام علی (ع): النفس ان لم تشغله شغلک. اگر نفس خود را به کاری مشغول نسازی او تو را مشغول خواهد کرد.
نفس انسانی به ویژه قوه خیال آدمی به گونه ای است که اگر بیکار باشد، انسان رابه تباهی و فساد خواهد کشاند. یکی از مهمترین علل ارتکاب گناه، بیکاری است. اشتغال افزون بر اینکه، از انفجار انرژیهای متراکم جلوگیری می کند، مانع پیدایش افکار و وساوس و خیالات شیطانی نیز می شود.

-به قول پاستور بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است.

-ولتر می گفت: هر وقت احساس می کنم که درد و رنج بیماری می خواهد مرا از پای در آورد، به کار پناه می برم. کار بهترین درمان دردهای درونی من است.

۶- کار و احساس شخصیت

امام علی(ع): هر آینه که نقل و انتقال سنگهای سنگین از بالای کوهها برای من دوست داشتنی تر از منت کشیدن دیگران است.
امام علی(ع): اگر می خواهی آزاد زندگی کنی، مثل بردگان تلاش کن. آرزویت را از مال دیگران به طور کلی قطع نما.
درخواست کمک مالی از مردم و سربار دیگران بودن، به دلیل آفات اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی فراوانی که دارد، به شدت مورد مذمت و نکوهش اسلام و اولیای اسلام قرار گرفته است. شخصی به خدمت امام صادق (ع) آمد و عرض کرد: من مردی فقیر و تنگدست هستم که نه می توانم کار دستی انجام دهم و نه فن تجارت را می دانم. امام صادق(ع) فرمودند: کار کن؛ با سرت باربری کن و خود را از مردم بی نیاز گران.

هرگز نباید به خردی کار نگاه کرد. پیدا نکردن شغلی مطابق به میل خود هرگز مجوز بیکاری و پذیرش خواری در خواست از دیگران نیست.

نتایج این فصل:

الف: موثر بودن کار در شکل گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان و بهداشت روانی او.

ب: ارزشمندی کار و تحقیر نکردن کار و صرف نشدن اوقات در بیکاری

ج: کار از دیدگاه اسلام نوعی عبادت محسوب می شود.

د: اخلاق نیک موجب کشایش در رزقهای معنوی و مادی است.

م: اخلاق بد موجب تنگدستی است.

"اخلاق جنسی"

۱- جایگاه و اهمیت

اخلاق جنسی: به سلسله مباحثی گفته می شود که حول غریزه جنسی و مسائل مرتبط با آن شکل می گیرد.

اخلاق جنسی: یکی از مهمترین مباحث اخلاقی در طول روزگاران گذشته و در زمان کنونی به شمار می آید.

اخلاق جنسی، با شاخه های دیگری از علوم نیز مرتبط است.

آیا نسبیت گرایی جنسی صحیح است؟ و باید بپذیریم اخلاق جنسی در هر جامعه ای متفاوت است؟ آیا به طور مثال وجود

هم جنس بازی در جامع ه های غربی و پذیرفتن آن به عنوان یک فرهنگ ، دلیل خوب بودن آن در آن جام عه است یا آنکه هم جنس بازی به خودی خود یک فعل ناشایست است؟ نظر شما در این باره چیست؟ آیا این نوع اختلافات را قبول دارید؟

۲- بیان دیدگاه‌ها

درباره غریزه و علاقه جنسی نگاههای متعدد و متنوعی مطرح شده است.
به طور کلی می توان دیدگاههای مختلف را در این باره به سه دسته تقسیم کرد:

۱- تفریطی ۲- افراطی ۳- معتدل

۲-۱. دیدگاه تفریطی

همواره بوده و هستند افراد و گروهها و آیینهایی که علاقه و غریزه جنسی را یک غریزه ذاتاً پلید، زشت و شیطانی دانسته و می دانند. ایشان معتقدند عامل اصلی تباهی فرد و جامعه، غریزه جنسی است. اینان بر این باورند که آمیزش جنسی هرگز با تکامل روحی سازگار نیست. به عنوان نمونه، برهمنان آیین بودا چنین اعتقادی دارند.
در آیین چین، هر فردی بخواهد این آیین را بپذیرد در ابتدای ایمان خود باید پیمانی پنج‌گانه را متعهد شود که یکی از مهمترین آنها، این که لذات و شهوات جنسی را برخورد حرام دانسته و ابتلای به آن را برای دیگران نیز نمی‌پسندیم.
در میان مکاتب اخلاقی یونان باستان، کلیبان یا سگ منشان براین باور بوده که: تمام ثمرات تمدن، از قبیل حکومت، ثروت شخصی، ازدواج، دین و ... مصنوعی و بی ارزش است؛ اگر رستگاری و نجاتی هست، همانا در ترک جامعه و در بازگشت به زندگی ساده و زاهدانه یافته می شود.

رهبران مسیحی نیز هر چند ازدواج را، به طو کلی، تحریم نمی کنند؛ اما آن را عملی ذاتاً پلید می دانند.
در مسیحیت، دو چیز است که ازدواج را برای مسیحیان عادی و مشروع می کند: ۱- حفظ نسل ۲- دفع افسد به فاسد
مسیحیان معتقدند کسی که می خواهد رهبری دینی مردم را برعهده گیرد باید همچون عیسی مسیح در سراسر عمر خود از آمیزش جنسی دوری کرده باشد. بر همین اساس کسانی می توانند به مقام پاکی برسند که هرگز ازدواج نکرده باشد.
بولس قدیس، در نامه اول خودبه قرن‌تین، درباره ازدواج می نویسد: "کاش همه می توانستند مانند من مجرد بمانند ...مردی که ازدواج نکرده است، می تواند تمام وقت خود را صرف خدمت خداوند کند و تمام فکرش این باشد که او را خوشنود سازد ..." (عهد جدید، نامه اول قرن‌تین)

نگرش تفریطی به غریزه جنسی، در میان مسلمانان صد ر اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم و امامان معصوم به شدت با این نگرش به مبارزه پرداختند.

۲-۲. دیدگاه افراطی

در دوران جدید، یعنی از طرح گسترده مسائل روان شناسی و پیشرفت نسبی علم روان شناسی، دیدگاهی کاملاً مخالف با دیدگاه پیشین، درباره علاقه و غریزه جنسی مطرح شده است. طراح اصلی این دیدگاه، زیگموند فروید، روان شناس و روان کاو مشهور اتریشی بود. اینان ریشه همه مشکلات اخلاقی و ناهنجاری های اجتماعی را در سرکوبی غریزه جنسی دانستند.

خلاصه دیدگاه فروید:

الف: میل جنسی در انسان نسبت به دیگر امیال شدیدتر است.

ب: غریزه جنسی از همان دوران طفولیت، در انسان شروع به فعالیت می کند.

ج: این امیال گرچه سرکوب شوند، اما محو نمی شوند و به شکل عقده هایی در ضمیر ناخودآگاه انسان متراکم می گردد.

د: مذهب و علایق دینی، چیزی نیست جز همین امیال سرکوب شده و همین عقده های متراکم.

ه: ریشه همه فعالیت های بشری، اعم از فعالیت های مثبت و منفی، در غریزه جنسی است.

توصیه پیروان دیدگاه افراطی

"محدودیتها را بردارید تا ریشه مردم آزاری و کینه ها و عداوتها کنده شود؛ غفت را از میان بردارید تا دلها آرام بگیرد و نظم اجتماعی برقرار گردد؛ آزادی مطلق اعلام کنید تا بیماری های روانی رخت بربندد".

سرچشمه بیماری های عصبی و روانی از دیدگاه فروید:

فروید و پیروان او سرچشمه این گونه بیماری ها و نابسامانی اجتماعی و فرهنگی را در سرکوب غرایز، به ویژه غریزه جنسی، دانستند. رذایلی مانند: حسادت، ظلم، سوءظن، گوشه گیری، دروغ و ... ریشه در محرومیت های غریزه جنسی دارند. به طور کلی، طرفداران این دیدگاه سه استدلال عمده برای اثبات نظریه خود ارائه کرده اند:

استدلال نخست: ریشه همه بیماری های روحی و اجتماعی بشر در سرکوب غریزه جنسی و ایجاد محدودیت ارضای آن است. در مقابل، راه وصول به سعادت و نجات از بیماری های روحی و روانی، ارضای آزادانه غریزه جنسی است.

پاسخ: اولاً: این ادعا که ریشه بیماری های روحی و روانی بشر ایجاد محدودیت های جنسی است، ادعایی بی دلیل است. ثانیاً: آزادی همه جانبه در ارضای غرایز جنسی نه تنها موجب وصول به سعادت و نجات از بیماری های روانی نخواهد شد، که آشفتگی های روحی و روانی شدیدتری را در پی خواهد داشت.

استدلال دوم: تجربه نشان داده است که انسان نسبت به چیزی که منع شود، حریص تر می شود اگر می خواهیم بشر، برای همیشه، از وسوسه ها و دغدغه های جنسی رهایی یابد، باید او را در ارضای غریزه جنسی اش، کاملاً آزاد گذارده و هرگونه قید و بندی را از جلوی روی او برداریم.

پاسخ: اولاً: پذیرش این اصل که هر گونه ممنوعیتی حرص آور است و نتیجه عکس می دهد، مستلزم آن است که بسیاری از قوانین و مقررات اجتماعی، برچیده شود. ثانیاً: در همان جوامعی که آزادی جنسی وجود دارد، هرچند ممکن است از حیث نگاه به جنس مخالف، ارضا شده، اما آمار نشان می دهد که اکثر جوانان در همان جوامع، برای ارتباط جنسی، خود را تحت فشار می بینند.

دیدگاه شهید مطهری

اینان (دیدگاه افراطی) میان اشباع غریزه و سرکوب نکردن آن، از یک طرف، و آزادی جنسی و رها کردن بی قید و شرط آن، از طرف دیگر، خلط کردند. حقیقت آن است که اگر کسی می خواهد غریزه جنسی خود را، به درستی، اشباع کند، راهی جز عفت و تقوا و پذیرش مقررات الهی ندارد.

آنچه که لازم است و هرگز نباید از آن غفلت ورزید این است که انسان باید همه غرایز و استعداد های خدادادی خود را پرورش دهد و هیچ کدام را نادیده نگیرد؛ اما این را هم باید بداند که حد و مرز هر غریزه ای را نگه دارد و هرگز نباید به بهانه پرورش غریزه جنسی، سایر غرایز و قوا و استعداد های خود را نادیده بگیرد.

اشتباه اصلی فروید و فرویدیسم این بود که برای جلوگیری از سرکوبی غریزه جنسی، آزادی بی حد و حصر جنسی را پیشنهاد دادند. انسان به گونه ای آفریده شده است که در همه زمینه ها اگر شرایط مساعدی را بیابد، به هیچ حدی قانع نمی شود. اگر انسان در این زمینه ها مانند حیوانات، ظرفیت محدود و پایان پذیری می داشت، هرگز نیازی به مقررات سیاسی و اقتصادی و جنسی پیدا نمی کرد. از نظر اخلاقی نیز احتیاجی به اخلاق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و جنسی نداشت.

نظریه امام خمینی درباره نامحدود خواهی قوه شهویه و سیری ناپذیری آن: قوه شهویه در انسان طوری است که اگر زندهای یک شهر، به فرض محال، به دست او بیاید، باز متوجه زندهای شهر دیگر است. اگر از یک مملکت تصی بش شد، متوجه مملکت دیگر است. همیشه آنچه ندارد می خواهد...

هر کس منکر است مراجعه به حال خود کند و به حال اهل این عالم از قبیل سلاطین و متمولین و صاحبان قدرت و حشمت، آن وقت خود تصدیق ما را می کند.

استدلال سوم: خالق انسان، غرایز مختلف را بی جهت به او نداده است، این غرایز را برای ارضاء و اشباع در اختیار انسان قرار داده است و نه برای سرکوبی. بنابراین، ایجاد محدودیت در برابر ارضای غرایز، از جمله غریزه جنسی، خلاف هدف آفرینش است.

در پاسخ می گوئیم: اولاً: پذیرش این استدلال، به معنای هرج و مرج کامل و اجتماعی و اخلاقی است. ثانیاً: این سخن که خداوند غرایز را بی جهت به ما نداده است و هرگز نباید هیچ یک از آنها را نادیده گرفت، سخن درستی است؛ اما: اولاً: غرایز انسان منحصر در غریزه جنسی نیست. ثانیاً: ارضای همه قوا و آزادی مطلق دادن به همه آنها هرگز امکان ندارد. پس یا باید برخی از آنها را سرکوب کرده و به طول کلی نادیده گرفت که این خلاف حکمت و هدف آفرینش است یا باید آنها را تعدیل کرده و با ایجاد قیود و شرایطی برای هر کدام، همه آنها را به گونه ای ارضا کرد.

۲-۳. دیدگاه معتدل

غریزه جنسی از دیدگاه اسلام، یکی از بزرگترین نعمتهای الهی و حکیمانه ترین وسیله ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسانی را تضمین می کند. اسلام نه تنها میان معنویت و بهره مندی از لذات جنسی منافاتی نمی بیند؛ بلکه بهره مندی مشروع از این غریزه را شرط تکامل معنوی انسان می داند.

پیامبر اسلام و سایر اولیای دین همواره با رهبانیت و ریاضیتهای افراطی برای مبارزه با غریزه جنسی و امثال آن مخالفت کرده و صراحتاً اعلام داشته اند که: لارهبانیه فی الاسلام.

مخالفت اسلام دیدگاه افراطی (فرویدی)

اسلام با دیدگاه فرویدی نیز به شدت، مخالف بوده، افسار گسیختگی و بی بند و باری در مسأله جنسی را به شدت نهی کرده است. منطق اسلام این نیست که به صورت نامحدود و بدون هیچ قید و بندی، اجازه فعالیت به غرایز انسانی بدهد. اشاره به برخی از روایات در این زمینه: کسی که شهوتش بر او غالب شود، عقلش به او پشت می کند. پیروی از خواهشهای نفسانی، نتیجه ای جز هلاکت و نابودی نفس انسانی در پی ندارد.

به تعبیر مولوی: هر که در شهوت فرو شد بر نخاست.

از شهوات سرکش بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم برمعاصی می کشاند. شهوت پرستی، دین را به

نابودی می کشاند. کسی که مشتاق بهشت باشد باید شهوت پرستی را فراموش کند. حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است ساکن نمی شود.

به طور خلاصه، منطق اسلام در برابر قوا و غرایز انسانی به ویژه قوای شهوانی را می توان در این بیان حکیمانه امام خمینی مشاهده کرد: بدان که قوه شهوت از قوای شریفه ای است که حق تعالی به حیوان و انسان مرحمت فرموده برای حفظ شخص خود و بقای آن در عالم طبیعت و برای ابقاء نوع و حفظ آن... علاوه بر آن که سعادت خود انسان وابسته به این قوه است، سعادت بنی نوع هم پیوند به این مائده آسمانی است.

از دیدگاه اسلام، قوای شهوانی و مخصوصاً غریزه جنسی نه علت تامه شقاوت است و نه علت تامه سعادت، بلکه خوب بودن آنها، از نظر اخلاقی، بستگی به نوع رفتار ما با آنها دارد.

امام خمینی: بدان که وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت خوشبختی انسان گردند، اگر آنها را تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم الشان نمایی.

۳- عوامل شهوت پرستی و شهوت رانی

الف: ضعف در خدانشناسی و سستی در ایمان به خدا و پیامبر و عدم رعایت دستورات دینی.

ب: ضعف در خودشناسی و نداشتن درکی درست از خویشتن و فرو کاستن ارزش انسانی خود تا سر حد حیوانات.

ج: ضعف در شناخت حقایق امور و عدم شناخت پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوت پرستی و شهوت رانی.

رهبانیت و سرکوب غریزه جنسی و آزادی بی حد و حصر در ارضای آن، از دیدگاه اسلام محکوم و منفور است. اسلام با این دو دیدگاه افراطی و تفریطی مبارزه کرده است. اسلام برای ارضای غرایز جنسی مانند سایر غرایز، حدود و شرایطی را قائل شده است. از دیدگاه اسلام، تنها راه مشروع و مقبول ارضای غریزه جنسی ازدواج است.

۴- اهمیت ازدواج در اسلام

بدون تردید، ازدواج، نقش تربیتی فوق العاده ای برای انس ان، چه دختران و چه پسران، دارد. ازدواج نخستین گام برای رهایی از خود دوستی به سوی غیر دوستی است. با ازدواج است که نیازها و خواسته های انسان رنگ دیگر دوستی به خود می گیرد. ازدواج در اسلام، به عنوان یک امر مقدس و یک موضوع شرعی به حساب می آید.

۴-۱. ارزش واسطه ازدواج شدن

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست کارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. نور: ۳۲

امام علی(ع): بهترین واسطه گری ها، واسطه گری در امر ازدواج است.

امام صادق(ع): کسی که وسایل ازدواج را برای شخصی فراهم کند، در روز قیامت مورد توجه خاص خداوند قرار می گیرد.

۴-۲. شرایط یک همسر خوب

ازدواج، یک مسئولیت بزرگ الهی و انسانی و اجتماعی است. بنابراین باید به شدت، مراقب بود که چه کسی را به عنوان شریک زندگی خود انتخاب کنیم: الف: اصالت خانوادگی ب: تقوا و تدبیر

الف) اصالت خانوادگی

یکی از مهم ترین شرایط همسر خوب، اصالت خانوادگی داشتن است. جوانان باید بدانند، دختران یا پسرانی که از یک خانواده اصیل برخوردار نیستند، چندان قابل اعتماد نمی باشند.

پیامبر اکرم (ص)، به شدت از ازدواج با دختران زیبایی که شرافت خانوادگی ندارد، برحذر داشته و می فرماید: "ای مردم از گیاهان سبز و خرمی که در سرگین رشد کرده اند بپرهیزید گفته شد: ای رسول خدا منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمودند: دختر زیبایی که در خانواده ای بد رشد کرده باشد.

ب) تقوا و تدین

یکی دیگر از مهمترین شرایط یک همسر خوب، تقوا و تدین است.

امام صادق (ع): اگر کسی به خاطر زیبایی یا ثروت با یک زن ازدواج کند، خداوند او را به هما نها واگذار می کند؛ اما اگر معیار او در انتخاب همسرش، دین او باشد، خداوند زیبایی و ثروت را نیز به او عطا می کند.

پیامبر اکرم (ص): کسی که دختر خود را به ازدواج شخص فاسقی در آورد، رابطه نسبی خود را با او بریده است.

۵- فضایل اخلاقی مربوط به امور جنسی

۵-۱. عفت و پاکدامنی

عفت، عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل. عفت، یعنی اعتدال در بهره مندی از شهوات. عقیف به کسی گفته می شود که در حد اعتدال و در چهار چوب عقل و شرع، از شهوات بهره ببرد.

عفت جنسی: یعنی کنترل کردن غریزه جنسی و محدود کردن آن در چهار چوب عقل و شرع.

امام علی (ع): هنگامی که خداوند خیر و خوبی بنده اش را بخواهد؛ در برابر غذاهای حرام عفت شکم و در برابر محرّمات جنسی، عفت جنسی به او می دهد.

امام باقر (ع): هیچ عبادتی برتر از عفت شکم و عفت جنسی نیست.

امام علی (ع): عفت، رأس هر خیری است.

شهوترانی و بی عفتی، یکی از عوامل مهم هلاکت دنیوی و اخروی انسان است. در طول تاریخ نمونه های فراوانی را میتوان ذکر کرد، که همین مسئله موجب نابودی آنان و خواری دنیوی و اخروی شان شده است. داستان برصیصای، عابد مستجاب الدعوه بنی اسرائیل، از نمونه های عبرت آموزی است که سرانجام شهوترانی را، به خوبی، نشان می دهد.

۵-۲. غیرت

غیرت، اصطلاحاً به معنای کوشش در محافظت از چیزهایی است که محافظت از آنها لازم است. غیرت، یکی از شریف ترین فضایل اخلاقی است. غیرت، از نتایج و لوازم فضیلت شجاعت و بزرگ منشی است.

علی (ع): ثمره و میوه شجاعت، غیرت است.

بزرگان اخلاق گفته اند: فردی که این فضیلت (غیرت) را نداشته باشد، در حقیقت، از مردان به حساب نمی آید.

امام صادق (ع): غیور یکی از اوصاف خداوند است و به سبب همین صفت و ویژگی است که فواحش و زشتیهای درونی و بیرونی را تحریمی کرده است.

غیرت به معنای عام، ریشه در فطرت انسانی دارد. انسان فطرتاً به گونه ای آفریده شده است که از امور مورد احترامش،

مانند زن، فرزند، مقام، ثروت و امثال آن، دفاع می کند. اسلام اصل این حکم فطری را پذیرفته و کوشیده است تا جهت الهی به آن داده، از هوا و هوس وانگیزه های باطل و نادرست پاکش نماید.

آیا غیرت همان حسادت است؟ حق آن است که غیرت و حسادت، کاملاً، با یکدیگر متفاوت بوده و دو صفت کاملاً متفاوت اند. غیرت از فضایل اخلاقی است و حسادت از رذایل اخلاقی. منشأ حسادت، خودخواهی است در حالی که غیرت، ریشه در احساسات نوع دوستانه دارد. غیرت جنسی، نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسلها در وجود بشر نهاده است.

اگر غیرت، امری فطری است، پس چرا عده ای از مردان هیچ نگرانی از سوء استفاده جنسی دیگران از همسرانشان ندارند؟ ویژگی امور فطری این است که اگر به آنها توجه نشود، کم کم، تأثیر خود را از دست خواهند داد. در مواردی مشاهده می شود غیرت از حد خودش تجاوز می کند، اگر چنین شود، تبدیل به رذیله ای اخلاقی خواهد شد.

"کل شیء جاوز حده انعکس ضده". هر چیزی که از حد خود تجاوز نماید، به ضدش تبدیل می شود.

غیرت ورزی بی جا و افراطی، به سوء ظن و بدگمانی نسبت به همسر کشیده می شود که پیامدهای بسیار بدی را در پی دارد. امام علی (ع): از غیرت نابجا پرهیز؛ چرا که این کار درستکار را به نادرستی و پاکدامن را به بدگمانی خواهد کشاند.

۳-۵. حجاب و ترک خودآرایی در انظار عمومی

یکی دیگر از فضایل اخلاقی در عرصه اخلاق جنسی، مسئله پوشش است. در حقیقت اسلام با تشریع حکم حجاب خواسته است که: اولاً: به بهداشت روانی زنان و مردان کمک کند.

ثانیاً: روابط خانوادگی را تحکیم کرده و از فرو پاشی نظام خانوادگی جلوگیری نماید.

ثالثاً: شخصیت زن را تأمین کرده و او را از یک شخصیت ابزاری به یک شخصیت مستقل تبدیل نماید.

رابعاً: حریم اجتماع را از بی عفتی و آلودگیهای جنسی نگه دارد.

"اخلاق گفتگو"

۱- اهمیت گفتگو

پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند؛ اینان اند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. زمر: ۱۷ و ۱۸

اهمیت گفتگو بر کسی پوشیده نیست. براساس نص آیات قرآن کریم، خدا برای آفرینش انسان با ملائکه به گفتگو پرداخت. خداوند، پس از سریچی ابلیس از دستور الهی مبنی بر سجده بر آدم، با ابلیس نیز گفتگو کرد.

خداوند، پس از هبوط آدم بر روی زمین نیز همواره، مستقیم و غیر مستقیم، با آدمیان گفتگو داشته است.

امام علی (ع) می فرماید: و همواره خدا را که بخششهای او بی شمار است و نعمتهایش بسیار در پاره ای از روزگار پس از پاره ای دیگر، و در زمانی میان آمدن دو پیامبر، بندگان است که از راه اندیشه با آنان در راز است و از طریق خرد دمساز.

انواع گفتگو: الف: گفتگوی تبلیغی، ارشادی ب: گفتگوی تعلیمی، آموزشی ج: گفتگوی اقناعی، احساسی

گفتگوی خداوند با فرشتگان و آدمیان را می توان از نوع گفتگوهای ارشادی، تعلیمی و هدایت گرانه دانست. اخلاق گفتگو

و آداب مناظره و جدل از روزگاران دور، همواره، مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده است.

۲- هدف گفتگو

ارزشمندی گفتگو به عنوان فعلی از افعال اختیاری انسان، منوط به انگیزه فرد از انجام آن است والا خود گفتگو، فی نفسه، نه دارای ارزش اخلاقی مثبت است و نه ارزش اخلاقی منفی. باید دید که هدف فرد از ورود به عرصه گفتگو با دیگران و انجام مناظره چیست.

۲-۱. انگیزه های مثبت

الف) حق خواهی: گاهی برای فرد، حقیقت و واقعیت مسئله ای روشن نشده است و با گفتگو و مباحثه با دیگران به دنبال فهم حقیقت است. بدون تردید، یکی از فواید مهم گفتگو، این است که بهتر می توان حقیقت را شناخت.

امام علی(ع): اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب. اندیشه ها را با یکدیگر رودررو کنید تا اندیشه درست از آنها پدید آید.

ب) روشنگری: یکی دیگر از مهم ترین و ارزشمندترین اهداف گفتگوف روشنفکری و هدایت و راهنمایی دیگران است.

۲-۲. انگیزه های منفی

گاهی هدف از گفتگو، صرفاً، غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن سخن باطل و نادرست و غیر مستدل خود است. انسان با اینکه وجداناً می داند سخن یا ادعای او باطل و نادرست است، اما باز هم بر آن پافشاری می کند و کار را به جدال و مراء می کشاند، که یکی از بزرگترین و خطرناکترین رذایل اخلاقی است. هدف چنین کسانی از گفتگو صرفاً به کرسی نشاندن سخن خود است. بدیهی است مناظره هایی که چنین اهدافی را دنبال می کنند، علاوه بر اتلاف وقت، سبب تقویت خوی تعصب، خودخواهی و خود محوری و خودنمایی انسان می شوند.

۳- آداب اخلاقی گفتگو

۳-۱. تأکید بر نکات مشترک

دو فرد یا دو گروه زمانی می توانند به گفتگو بپردازند که مشترکاتی با یکدیگر داشته باشند و آلا اگر بر سر هیچ مسئله ای با یکدیگر توافق نداشته باشند، هرگز امکان برقراری گفتگو میان آنان نخواهد بود. کسانی که آمادگی انجام گفتگو با یکدیگر را دارند، هر چند درباره ای از مسائل، مثل مسئله مورد گفتگو، ممکن است با یکدیگر اختلاف داشته باشند اما دارای مشترکاتی نیز هستند.

"قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرک به شیئاً ولا یتخذ بعضاً بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهد و ابان المسلمون". آل عمران ۶۴

۳-۲. فهم موضوع گفتگو

- بدون شک، گفتگو در خلأ صورت نمی گیرد، بلکه حتماً درباره مسئله و موضوع خاصی رخ می دهد. یکی از ابتدایی ترین شرایط گفتگو این است که طرفین گفتگو نسبت به موضوع بحث و همه ابعاد و جوانب آن آگاهی کافی داشته باشد.

مشت بر هم می زدند از ابلهی پر بدند از جهل و از دانش تهی

معلوم است که مشاجره و گفتگو بدون فهم موضوع، هرگز به فرجام نیکو و خوشایندی نخواهد رسید.

-یکی دیگر از آداب اخلاقی گفتگو، صراحت بیان و پرهیز از تکلف و تعارف در گفتار و دوری کردن از به کار بردن سخنان کنایه آمیز و چند پهلوی و مبهم است. مخصوصاً در مواردی که پای مصالح اساسی انسان و اجتماع در میان باشد، ناگزیر باید با صراحت سخن گفت تا از تفسیرها و تحلیل های دلخواهانه و نادرست، که منطبق بر منافع گروهی یا شخصی است، جلوگیری شود.

علی (ع) پیش از آغاز جنگ نهروان، زمانی که ابن عباس را برای گفتگو با خوارج اعزام می کرد به او توصیه کرد که: به قرآن بر آنان حجت میاور، که قرآن تاب معنی های گوناگون دارد. تو چیزی - از آیه ای - می گویی و خصم تو چیزی از آیه دیگر - لیکن به سنت با آنان گفتگو کن، که ایشان را راهی نبود جز پذیرش آن.

۳-۴. توجه به گفته و نه گوینده

یکی از آداب اخلاقی گفتگو، که رعایت آن موجب می شود تا گفتگو از مسیر درست خارج نشود، این است که طرفین در طول بحث خود همواره باید به بررسی ادله یکدیگر بپردازند و هرگز نباید اجازه دهند که مسائل حاشیه ای چون انگیزه خوانی و بیان اهداف و نیت سوء طرف مقابل و مانند آن، در روند گفتگو اخلال ایجاد نماید.

ادب گفتگو اقتضا می کند که گفته و انگیزه مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد. از دیدگاه اسلام باید به سنجش و ارزیابی سخن پرداخت و نه سخنران؛ و به بررسی صحت و سقم گفته توجه نمود و نه گوینده.

امام علی (ع): حکمت گمشده حکیم است؛ پس در هر جا که باشد، آن را طلب می کند.

حضرت عیسی، حق را از اهل باطل بگیرد اما باطل را از اهل حق نگیرد؛ ناقدان سخن باشید.

۳-۵. استدلال طلبی و حق محوری

-یکی دیگر از شرایط تحقق گفتگوی سازنده و سودمند، این است که طرفین گفتگو حقیقتاً بنای بر پیروی از واقعیت و حقیقت براساس مستندات معقول و مقبول داشته باشند. هیچ یک از طرفین نباید، به هر قیمتی، در صدد اثبات سخن خود باشد، بلکه هر دو طرف باید بنابر پذیرش حق و سخنان مستدل بگذارند، و هرگاه هر کدام از آنان متوجه اشتباه خود شد صادقانه به اشتباهش اعتراف نماید. قرآن کریم در آیات متعددی، بر این حقیقت تأکید کرده است که در هر گفتگویی همواره باید دانش و پیروی از دانش، به عنوان مسئله ای بنیادین و محوری مورد توجه قرار گیرد.

۳-۶. ملایمت

یکی دیگر از نکات مهم و تأثیر گذار، که همواره در هر گفتگوی حق طلبانه ای باید مورد توجه قرار گیرد، ملایمت و نرمی در گفتار و کردار است. کسی که دارای سخن و مدعایی منطقی و مستدل است؛ حاجتی به جارو جنجال و خشونت و تندی ندارد. علی (ع): شدت خشم، سخن گفتن را دگرگون کرده، قدرت استدلال را بریده و فهم و درک را پراکنده می سازد.

به نظر می رسد که برای جذب عقلها و دلها به سوی پذیرش حق، هیچ وسیله ای کاراتر از ملایمت و نرمی نیست. خداوند خطاب به حضرت موسی و هارون می گوید که با ف رعون با ملایمت و نرمی سخن بگویید:

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى». طه: ۴۴ با او سخنی نرم بگویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

خداوند خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْ تُهْلَكَ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفُضَ وَآ مِنْ

حولک. آل عمران ۱۵۹: پس به رحمت الهی با آنان نرم خوشدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.

۴-آفات گفتگو

در حقیقت، کم توجهی به آداب اخلاقی گفتگو و یا عدم مراعات هر یک از آنها می تواند به روند سالم گفتگو آسیب برساند. کسی که علی رغم وجود دلایل قوی علیه دیدگاهش، همچنان لجوجانه بر آن اصرار می ورزد، هرگز نمی توان جان و دل او را با حقایق آشنا کرد.

خلق مست آرزویند و هوا زان پذیرایند کذب و حيله را
هر که خود را از هوا خود باز کرد جان خود را آشنای راز کرد

در این قسمت، قصد آن داریم که درباره دو آفت اخلاقی بزرگ که می توانند روند گفتگو را به کل مختل نماید، توضیحات بیشتری ارائه دهیم:

۴-۱. شخصیت زدگی

یکی از آفات و آسیبهای اخلاقی گفتگو، این است که به جای ذکر دلیل و بیان استدلال برای نظر خود، شخصیت پیشینیان را محور قرار دهیم. و به جای برخورد منطقی با استدلالهای طرف مقابل، به تقلید کورکورانه از گذشتگان و سنت جاهلانه آنان بپردازیم. در قرآن کریم آیات متعددی در نهی از شخصیت زدگی و تقلید علمی کورکورانه از پیشینیان وارد شده است. امام علی (ع) به حارث بن حوط که در جنگ جمل دچار سر رگستگی شده بود و از صحت جنگ با طلحه، زبیر و عایشه، سؤال می کرد، فرمودند: حارث! کوتاه بینانه نگرستی نه عمیق وزیرکانه و سرگردان ماندی، تو حق را نشناختی تا بدانی اهل حق چه کسانی هستند و نه باطل را تا بدانی پیروان آن چه مردمانی هستند.

۴-۲. مراء یا جدالگری

یکی دیگر از بدترین مخرب ترین آفتهای گفتگو، جدال و مراء است. جدال و مراء عبارت است از: پیکار لفظی و ستیزه در کلام جهت چیره شدن بر طرف مقابل و ساکت کردن او. کسی که دارای روحیه مراء و جدال است، همواره در پی به کرسی نشاندن سخن خود است، ولو این که باطل بودن آن برای او آشکار شود. پیامبر اکرم (ص): لایستکمل عبد حقیقه الايمان حتى يدع المراء و ان کان محقاً. هیچ کسی به کمال حقیقت ایمان نمی رسد مگر این که از مراء خودداری کند، حتی اگر حق با او باشد.

امام علی (ع): از مراء و دشمنی در گفتار بپرهیزید زیرا دلها را نسبت به برادران بیمار می کند و دورویی و نفاق بر آنها می روید. امام صادق (ع): مراء از چهار حالت بیرون نیست: ۱- درباره موضوعی که هر دو طرف حقیقت آن را می دانند پیامد آن رسوایی و ضایع شدن طرفین است. ۲- درباره موضوعی که هیچ یک از طرفین آن را نمی دانند پیامد آن، اخبار از جهل و نادانی خود داده اند. ۳- درباره موضوعی که فقط یک طرف گفتگو حقیقت آن را می داند. که در این صورت، کسی که حقیقت موضوع را می داند و در عین حال به مراء با فردی که نسبت به موضوع، جاهل است می پردازد، با بر ملا کردن خطاهای علمی و اخلاقی طرف مقابل به او ظلم کرده است و کسی که علی رغم جهلش نسبت به حقیقت موضوع به مراء با عامل به آن موضوع می پردازد، خبر از حق ناشناسی و حرمت شکنی خود نسبت به علم و عالم داده است.